

Palmsonntag (20.3. 2016)

Gemeinde Des Guten Hirten Guben  
Selbständige Evangelisch-Lutherische Kirche (SELK)

رحمت عیسی  
مسیح، عشق  
خداوند و روح  
القدس با همه ی شما باشد. آمین!

طرز تفکر شما درباره زندگی باید مانند طرز تفکر عیسی مسیح باشد: اگرچه او از ازل دارای الوهیت بود، ولی راضی نشد که برابری با خدا را به هر قیمتی حفظ کند، بلکه خود را از تمام مزایای آن محروم نموده، به صورت یک غلام درآمد و شبیه انسان شد. چون او به شکل انسان در میان ما ظاهر گشت، خود را فروتن ساخت و از روی اطاعت حاضر شد مرگ -حتی مرگ بر روی صلیب- را بپذیرد. از این جهت خدا او را بسیار سرافراز نمود و نامی را که بالاتر از جمیع نامهاست به او عطا فرمود. تا اینکه همه موجودات در آسمان و روی زمین و زیر زمین، با شنیدن نام عیسی به زانو در آیند. و همه برای جلال خدای پدر، با زبان خود اعتراف کنند که عیسی مسیح، خداوند است. (فیلیپیان باب 2 آیات 5 الی 11)

به پا خیزید برای دعا: ای خداوند رحیم و مهربان ما در آسمان، تو را ارج می نمایم هنگامی که کلامت را گوش می دهیم. روح القدس را بر ما عطا فرما. خواهران و برادران عزیزم در ایمان به عیسی مسیح، امروز را با یک داستان فرضی شروع می کنیم. روزی A.T.L. Armstrong تعریف می کرد که:

در پایان دنیا میلیونها نفر از انسانها در مقابل تاج و تخت خدای پدر جمع خواهند شد، در میان آنها گروه کوچکی وجود خواهد داشت که بین آنها بحثی گرم برقرار است: چگونه می تواند خداوند برای ما در جایگاه قضاوت نشست باشد؟ زن یهودی که در 17 سالگی در Auschwitz میان

شعله های آتش و گاز سوخته و خفه شده است در این میان می گوید: خداوند از درد و رنج های ما چه می فهمد؟ یک سیاهپوست آمریکایی سخنان وی را تایید می کند. او و پسرش هردو توسط سفید پوستان و برای سرگرمی آنان بدون هیچ محاکمه ای مورد آزار و اذیت قرار گرفته و اعدام شده بودند به دلیل این که آنان خدمتکار بوده اند. یک دختر آلمانی به صورت متمرّد به او خیره می شود. در مغذ او کلمه ی (نامشروع!) سوخته شدن گنگ بود. او با خود زمزمه می کرد: شرم بر دهکده ی مذهبی ما، زندگی به عنوان برده داری؟ این در مغذ من فرو نمی رود. و خداوند همه چیز را می دید و می شنید اما حرفی نمی زد!

همه ی آنان معتقد بودند که خداوند پیش از اینکه آنان اینگونه رنج ها و سختی ها را بکشند می بایست آنان را قضاوت می نمود نه هم اکنون. خداوند باید به عنوان یک انسان بیچاره در این جهان زندگی کند! او باید نامشروع و به عنوان یک یهودی در گوشه ی تاریکی از جهان به دنیا می آمد! او می بایست از هنگام کودکی فرار می نمود و فردی بی خانمان می شد! او می بایست خیانت نزدیک ترین دوستانش را می چشید! او می بایست توسط اتهامات غلط بدون هیچ دادگاه منصفانه ای متهم می شد و مورد آزار و اذیت قرار می گرفت و در نهایت توسط قاضی بزدل محکوم به اعدام می گشت! گروهی از اوباش باید او را مورد ضرب و شتم قرار دهند تا پس از ساعتی به طرز دردناکی بمیرد! و حتی او باید در میان جمعی سخنانش به سخره گرفته شود و بی اهمیت شمرده شود!

تمامی این سخنان با صدای بلند در جمع مردم اعلام شدند. بدین ترتیب زمزمه های شدیدی میان مردم شروع شد. و هنگامی که آخرین کلمات آنان جاری شدند سکوت مرگباری در آنجا حکم فرما شد. تمام آنانی که خداوند را محکوم کرده بودند زمانی چنین اتفاقاتی برایشان به وقوع پیوسته بود. هیچکس جرات سخن گفتن نداشت. ناگهان همه ی آنان به یاد آوردند که: خداوند تمام این جرائم را بر پسر خود عیسی مسیح انجام داد.

سرور ما عیسی مسیح تمام انسانها را قضاوت کرده و نجات می دهد. او فرصت را غنیمت نمی شمارد که خود را خداوند معرفی کند. نه! او از این کار خود داری می نماید به طوری که پولس رسول می فرماید: او همانند یک برده بود. او خودآگاه خود را پایین تر از انسانها قرار می داد.

برعکس این راه می باشد. او بسیار فروتن است، به دنبال خوشی و عیش و نوش زندگی خود نیست، همانند ما انسان است، و همانند ما در تاریکی مرگ مرده است تا به وسیله ی آن ما را به آسمانها نزد خدای پدر و به ابدیت ببرد. میوه ی دزدیده شده از درخت باغ عدن توسط درخت صلیب وی دوباره جایگزین گردید. این منشاء و معنای اصلی درخت کریسمس می باشد. بنابراین این سیب ها و یا حباب های معلق از درخت کریسمس همان میوه های درخت باغ عدن می باشند که توسط عیسی مسیح آنها دوباره برگردانده شده اند.

4. برادران و خواهران عزیزم چگونه می بایست ما در این موارد عکس العمل نشان دهیم؟ به دو صورت. اول: پولس رسول آن را اینگونه شرح می دهد: **همان طرز فکر را داشته باشید که مسیح عیسی داشت.** در این میان به نظر من کتاب مقدس قدیمی لوتر ترجمه ی با مفهوم تری به شما می دهد: **طرز تفکر شما درباره زندگی باید مانند طرز تفکر عیسی مسیح باشد.**

گروه های تئاتر آماتور کوچکی وجود دارند که در برخی مراسم قطعه های کوچکی را اجرا می کنند. در این نمایش ها داروساز نقش فروشنده ی مواد مسموم را بازی می کند، مقامات خرده پا نقشی بسیار سخاوتمند و درستکار و شهردار نقشش باج گیری و فساد می کند. انسانها نیز اینچنین لغزیده و نقش های غریبی را در زندگی واقعی بازی می کنند. خداوند اظهار تاسف می کند که بسیاری از کسانی که نام مسیح را به دوش می کشند دقیقاً اینگونه رفتار می کنند. انسانها زندگی خود را بر اثاث قوانین فردی خود بنا می کنند، راهی که خود می خواهند را می روند و هر موقع که بخواهند از راه خود با نام عیسی مسیح لغزیده و منحرف می شوند. نه! اینطور نه!

**طرز تفکر شما درباره زندگی باید مانند طرز تفکر عیسی مسیح باشد.** این به این معنی نیست که تنها ظاهری نقش او را بازی کنید. به این معنی است که با تمام حس و وجود، با تمام عشق و قلب راه وی را دنبال نموده و در زندگی روزمره همانند وی باشید، به دیگران راه درست به سمت آسمان و ابدیت را نشان داده و این کار ها را ظاهری نکنید بلکه از درون نیز اینچنین باشید.

خود را در این راه آزاد سازید و راه او را ادامه دهید. خود را رها کردن در این راه، روشی است غیر اجباری برای هر انسانی دوست دارد به کمال و ابدیت خداوند برسد. مسیح در باره ی

اما تنها این نبود. او در پایین ترین مرتبه از خداوند قرار گرفت و تا پایان عمر مطیع خداوند بود، به طوری که حتی بر روی صلیب به خواست خداوند مرد. عیسی مسیح برای بشریت جان خود را به سختی بر روی صلیب از دست داد. به راستی که این رستگاری بزرگ است! اگر به این عمل بنگریم این عملی است کاملاً احمقانه. اما او این کار را برای عشق بی اندازه اش به بشریت انجام داد: **اگرچه او از ازل دارای الوهیت بود، ولی راضی نشد که برابری با خدا را به هر قیمتی حفظ کند، بلکه خود را از تمام مزایای آن محروم نموده، به صورت یک غلام درآمد و شبیه انسان شد ... !**

2. این که این رستگاری در واقع لازم بوده است به اینچنین داستانی مربوط است که در آن دزدان (کنایه به آدم و حوا) هدف دیگری داشتند: او می خواست همانند خداوند باشد، دیگر خدمت نکند بلکه پادشاهی کند، دیگر اطاعت نکند بلکه خود حکم فرما باشد، دیگر خداوند برای او و زندگی او تصمیم نگیرد بلکه او قادر مطلق باشد. این داستان برگرفته از میوه های دزدیده شده ی ممنوعه ی باغ عدن می باشد در ابتدای خلقت. مار قول داده بود که: شما به مانند خداوند خواهید شد! و آدم و حوا میوه را چیدند ... چیزی که پس از آن اتفاق افتاد امروزه نیز قابل مشاهده است: آنان می خواستند همانند خداوند دانا شوند! اما آنان درباره ی خداوند و بسیاری از مسائل مهم زندگی جاهل بوده و زندگیشان روز به روز به فلاکت پیش خواهد رفت. انسان می خواهد همانند خداوند قادر مطلق باشد! اما هنگامی که چیز کوچکی به دست می آورد از آن بر علیه دیگران استفاده می کند. آه و ناله ی بی گناهان و ستم دیدگان به آسمانها ختم می شود. انسانها می خواهند همانند خداوند در همه جا حضور داشته باشند. همانند ملخ با سرعت بالا به این طرف و آن طرف و در داخل زندگی دیگران می جهند. در خلاصه: جزای این دزدی گناه و مرگ است! و بنابراین هرکس که تنها به دنبال رفاه و خوشنودی خود می باشد جانشین آدم و حوا است و شاگرد مرگ و گناه است!

3. انسان باید این را در مقابل خود داشته باشد: تنها دو راه و روش زندگی وجود دارد. عمیق ترین احساسات انسانی ما ما را به سمت بالا می کشانند. ما می خواهیم به بالا برویم. اما در نهایت مرده و به پست ترین جا می رسیم. راه و روشی که عیسی مسیح می فرماید کاملاً

فروتنی های خود می فرماید: از این جهت خدا او را بسیار سرافراز نمود و نامی را که بالاتر از جمیع نامه‌است به او عطا فرمود. پس از جمعه ی به صلیب کشیدن عیسی مسیح عید پاک می آید. و به همین سبب ما بخشی از عیسی مسیح را دریافت می کنیم. بنابر این در وحله ی اول همانند عیسی مسیح سخاوتمند بودن باید اولین واکنش ما باشد.

5.) و دوم: دعا کردن! متن امروز ما بخشی از فیلیپیان بود که یکی از قدیمی ترین آواز های ستایشی عیسی مسیح است. احتمالاً در اولین عبادت مسیحیان نیز این سرود، سروده شده باشد. کودکان این سرود را به کمک پولس رسول یاد گرفته بودند. چندی از این موسیقی های عبادتی در عهد جدید نیز وجود دارند. برای مثال سرود مورد علاقه ی مریم مقدس مادر عیسی مسیح: روح و روان مرا بالا ببر ای پروردگارم. و یا با سرود مورد علاقه ی شمعون که ما آن را پس از هر مراسم عشای ربانی می خوانیم: حال ای خداوند، بر طبق وعده خود بندهات را بسلامت مرخص فرما. با این سرود ها ما سرورمان را ارج می نهیم که ما را نجات داده است. این کار را نیز مردم اورشلیم در روز یکشنبه ی قبل از عید پاک انجام دادند. و ما این کار را نیز امروزه انجام ی دهیم و می گوئیم: حمد و ستایش کسی که به نام خداوند می آید. در شرایطی که عیسی مسیح سوار بر خر وارد اورشلیم می شد. آمین!

و صلح خداوند که بالاتر از همه چیز است روح و قلب شما را برکت دهد در نام عیسی مسیح.

آمین!

*M. Hidden*

*مترجم: مهراں جای عطری*

*Es gilt das gesprochene Wort!*

Predigtlied: Dein König kommt in niedern Hüllen ELKG 12

Die Predigt Gedanken von Bischof H.-J. Voigt, Helmut Roser und Gü. Wachler auf.

Superintendent Michael Voigt, Wilkestraße 36a, 03172 Guben, Tel.: 03561 431 632